

یاد یار

سؤال: با توجه به اینکه در آستانه نخستین سالگرد رحلت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قدس سره) قرار داریم، خواهشمندم شرح مختصری از زندگانی بابرکت معظّم له را بیان بفرمایید.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. آیت الله العظمی سید شهاب الدین المرعشی النجفی، در روز بیستم صفر سال ۱۳۱۵ ه.ق در نجف اشرف در یک خانواده علم و تقوی متولد شد. پدر ایشان مرحوم آیت الله سید شمس الدین محمود الحسینی المرعشی النجفی، متولد سال ۱۲۷۹ ه.ق از علمای بزرگ نجف اشرف و از شاگردان مبرز آیات عظام مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایة الاصول و مرحوم حاج سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، صاحب کتاب العروة الوثقی و... بوده که به سال ۱۳۳۸ ه.ق در نجف اشرف وفات یافته اند.

جد ایشان مرحوم آیت الله سید علی، معروف به سید الأطباء یا سید الحکما، از شاگردان مرحوم صاحب جواهر و مرحوم شیخ مرتضی انصاری صاحب کتاب مکاسب و رسائل است. نسب شریفش چنانچه ذکر شد، با سی و سه واسطه به امام زین العابدین (ع) منتهی می شود. والده ماجده ایشان، علویّه صالحه فاضله، بنت مرحوم آیت الله آقا سید ابوالقاسم خوئی، فرزند مرحوم آیت الله سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید حسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت الله آقای سید محمد حجّت (قدس سرهما) می باشد.

ایشان پس از طی مراحل مقدماتی و دروس سطح، نزد مرحوم والدشان به خاطر هوش سرشار و عشق و علاقه وافری که به تحصیل علوم دینی داشته اند، به زودی در سن ۲۰ سالگی به درجه اجتهاد می رسند و از درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله

العظمیٰ آقاضیاءالدین عراقی، مرحوم علامه محقق اصولی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، مرحوم آیت‌الله علامه مصلح شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء نجفی، مرحوم علامه محقق آیت‌الله آقا میرزا آقا اصطهباناتی و دیگر بزرگان حوزه علمیه نجف اشرف استفاده می‌نمایند. علاوه بر این در سایر علوم اسلامی و غیراسلامی، نظیر: علم حدیث، رجال، درایه، تراجم، انساب، تفسیر، حروف و اوقاف، کلام و عقاید و ادیان، طب، تجوید و قرائت قرآن کریم، ادبیات و علوم آلی، حساب و هندسه و سایر علوم ریاضی و بعضی علوم غریبه از محضر اساتید و بزرگانی چون مرحوم والد معظمشان، مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین شیرازی، مرحوم حاجت‌الاسلام والمسلمین میرزا باقر ایروانی نجفی، مرحوم آیت‌الله شیخ اسماعیل محلاتی نجفی و مرحوم آیت‌الله سید حسن صدر و بسیاری دیگر از اعلام و مشاهیر آن زمان بهره وافر برده و بر بسیاری از علوم مذکوره تسلط کامل یافتند.

معظم‌له پس از کسب مدارج عالی و اشتغال به تدریس در حوزه علمیه نجف اشرف، در سال ۱۳۴۲ ه.ق به قصد زیارت ثامن الائمه (ع) به ایران سفر می‌کند. پس از تشرّف به ارض اقدس و زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا (ع) به هنگام مراجعت در مجالس دید و بازدید در تهران برخوردار شدند باعلمای آن روز تهران از جمله مرحوم آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و مرحوم آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و به خاطر علاقه‌ای که به فراگیری علوم مختلف داشتند. مدت یک سال در تهران اقامت داشتند و از محضر این بزرگان کسب فیض می‌نمایند. سپس به قصد زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه (س) عازم شهر مقدّس قم می‌شوند.

در آن زمان حضرت آیت‌الله العظمیٰ حائری (مؤسس حوزه علمیه قم) در حوزه تدریس می‌فرمودند. مرحوم والد در همان چند روزی هم که قصد اقامت در قم داشتند، در محضر درس مرحوم آقا شیخ عبدالکریم حاضر می‌شوند و ضمن درس اشکالات متعدّدی به ایشان می‌گیرند. مرحوم آیت‌الله العظمیٰ حائری چون ایشان را شایسته و لایق تشخیص می‌دهند، لذا به طور جدّی از ایشان می‌خواهند که در قم اقامت نموده و به تدریس در حوزه مشغول شوند. ایشان می‌فرمایند من به قصد زیارت آمده‌ام و باید برگردم به نجف اشرف. ولی مرحوم آقا شیخ عبدالکریم به ایشان

تکلیف می‌کنند و لذا معظم‌له از همان سال ۱۳۴۳ ه.ق در قم متوطن شده و از همان سال شروع به تدریس سطح و خارج فقه و اصول می‌نمایند. ایشان می‌فرمودند:

من به قدری برای تدریس مجهز بودم که هیچگاه خسته نمی‌شدم و هر گاه کسالتی یا مشکلی برای من پیش می‌آمد، نذر می‌کردم که اگر مشکل برطرف شود، یک دوره مکاسب محرّمه درس بدهم و این کار در موارد بسیاری پیش آمد و تکرار شد.

ایشان در طول بیش از ۶۸ سال تدریس در حوزه علمیه قم با تلاش و کوشش وقفه‌ناپذیر و برقراری روزانه بیش از هفت درس، شاگردان بسیاری را تربیت نموده‌اند که از جمله شاگردان برجسته و مبرز ایشان، می‌توان از آیت‌الله حاج سید باقر طباطبائی سلطانی، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، مرحوم آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، مرحوم آیت‌الله شهید حاج شیخ حسن غفّاری، مرحوم آیت‌الله شهید حاج سید محمدعلی قاضی طباطبائی، مرحوم آیت‌الله شهید صدوقی یزدی و بسیاری دیگر از بزرگانی که بعضاً در قید حیات هستند نام برد.

سؤال: رساله عملیه معظم‌له در چه سالی منتشر شد و آیا ایشان غیر از ایران در کشورهای دیگر هم پیروانی داشتند؟

جواب: پس از سالها تدریس در حوزه علمیه قم، کم‌کم از روی توجهی که مردم به ایشان پیدا کردند، با اصرار زیاد طلاب و محصلین و شاگردان ایشان، معظم‌له نخستین رساله عملیه خود را در سال ۱۳۷۰ ه.ق به نام سیل النجاة به زبان فارسی منتشر می‌کنند که بعداً چندین بار تجدید چاپ شد. با رحلت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) رساله عملیه دیگر ایشان به نام توضیح المسائل منتشر شد. این رساله تا کنون بیش از ۵۵ بار تجدید چاپ شده و مورد استفاده مقلدین قرار گرفته است. از آن سال به بعد ایشان مرجعیت عامه پیدا کرده و در کنار حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی (مدظله) و دیگر بزرگان، حوزه علمیه قم را اداره می‌کردند.

معظم‌له دارای مقلدین بی‌شماری در ایران و خارج، به خصوص در هند و پاکستان و قسمتی از لبنان و کشورهای حاشیه خلیج فارس بوده‌اند. رساله دیگری نیز به زبان

عربی دارند که به نام منهج المؤمنین و در دو جلد چاپ شده است. همچنین خلاصه فتاوی ایشان در یک مجموعه به زبان اردو در هند چاپ شده است.

سؤال: تألیفات معظم^{له} چه تعداد، در چه موضوعاتی است؟

جواب: ایشان دارای تألیفات بسیار متعددی هستند که تاکنون تعدادی از این آثار به طبع رسیده و مابقی انشاءالله به تدریج چاپ خواهد شد. این تألیفات را می‌توان در چند بخش تقسیم کرد که ذیلاً به ذکر نام آنها می‌پردازیم:

تألیف و تصانیف و آثار علمی و سفرنامه‌ها

الف. کتب رجال، انساب، تاریخ

۱. کتاب مشجرات آل رسول الله الأکرم (ص) در چهار مجلد بزرگ، شامل انساب کلیه علویین و سادات در ممالک دنیا، حدود نیمی از عمر خود را صرف تألیف این اثر بزرگ تاریخی نموده و کتب رسائل بسیاری را جهت جمع‌آوری این کتاب مطالعه فرموده‌اند و آن به طریق تشجیر می‌باشد. (عربی)
۲. کتاب المسلسلات فی ذکر الإجازات، شامل کلیه اجازات علمای شیعه و عامه و زیدیّه که به معظم^{له} داده شده است. (عربی)
۳. کتاب طبقات النسائین، در دو مجلد بزرگ، شامل شرح حال علماء علم نسب از قرن اول تا قرن حاضر (شروع تألیف این اثر بزرگ هنگام کشف حجاب در ایران زمان رضاخان) در این کتاب شرح حال و بیوگرافی صدها نفر از علماء علم نسب به ترتیب قرن ذکر شده است. (عربی)
۴. کتاب مزارات العلویین، در ذکر قبور سادات و علویین در اقطار عالم و در آن از صدها کتاب رجال و انساب و الواح قبور و تواریخ مختلف استفاده شده است. به ترتیب حروف الفبایی (عربی)
۵. کتاب الفوائد الرجالیّه، شامل فوائد مهمّ در رجال که از درسهای رجالی اساتید آن زمان، مانند مرحوم آیت الله سید حسن صدر متوفی به سال ۱۳۵۴ صاحب کتاب تأسیس الشیعه الکرام لفنون الإسلام و مرحوم آیت الله سید ابوتراب خوانساری

- نجفی، صاحب کتاب: سبل الرشاد في شرح نجات العباد. و مرحوم آیت الله سید شمس‌الدین محمود مرعشی نجفی، متوفی به سال ۱۳۳۸ و والد ماجد معظم له صاحب کتاب مشجرات العلویین. و مرحوم آیت الله میرزا محمد بن رجبعلی تهرانی عسکری، صاحب کتاب مستدرک البحار و غیره استفاده نموده‌اند. (عربی)
۶. کتاب اعیان المرعشیین، شامل بیوگرافی صدها تن از فقها و علما و حکما و متکلمین و فلاسفه و محدثین و ادبا و ملوک و وزراء از این سلسله جلیله. (عربی)
۷. کتاب اللئالی المنتظمة و الدرر الثمينة، در شرح حال علامه حلی و قاضی نورالله مرعشی شوشتری، شهید به سال ۱۰۱۹ به دستور جهانگیر شاه تیموری در هند و قاضی فضل بن روزبهان خنجی اصفهانی شافعی معروف به «خواجه ملا» صاحب کتاب مهمانخانه بخارا در تاریخ و غیره، در این اثر معظم له شرح حال عدّه‌ای از نوابغ سلسله مرعشی را نیز ذکر فرموده‌اند و به سال ۱۳۷۷ هجری قمری در تهران به ضمیمه مجلد اول کتاب احقاق الحق قاضی نورالله شهید مذکور چاپ شده است. (عربی)
۸. مستدرک کتاب شهداء الفضيلة مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالحسین امینی نجفی، صاحب کتاب الغدير. در این کتاب شرح حال عدّه‌ای از علماء شیعه را که به درجه رفیعه شهادت نائل شده‌اند ذکر نموده‌اند. (عربی)
۹. کتاب لمعة النور و الضياء، در شرح حال سید ابوالرضا فضل الله راوندی حسنی کاشانی، که ضمیمه کتاب المناجات الإلهیات در مناقب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به سال ۱۳۸۴ هجری قمری در تهران به چاپ رسیده است. (عربی)
۱۰. رساله سجع البلابل في ترجمة صاحب الوسائل، شامل بیوگرافی شیخ محمد بن حسن حرّعاملی که با کتاب اثبات الهداة بالتصویر و المعجزات از محدث مذکور به سال ۱۳۷۸ هجری قمری در تهران به چاپ رسیده است. (عربی)
۱۱. رساله وسیلة المعاد في مناقب شیخنا الاستاد، شامل شرح حال مرحوم آیت الله شیخ محمدجواد بلاغی نجفی، صاحب کتاب آلاء الرحمن في تفسیر القرآن. این رساله به ضمیمه کتاب المدرسة السیارة در ردّ نصاری از آن مرحوم به سال ۱۳۸۳ هجری قمری در تهران چاپ شده است. (عربی)

۱۲. رساله لؤلؤة الصّدف في حياة السيّد محمّد الأشرف، در شرح حال مير محمد اشرف بن علامه عبدالحسيب سبط فيلسوف بزرگ اسلام، علامه مير محمد باقر داماد حسيني مرعشي. اين رساله به ضميمه كتاب فضائل السّادات تأليف محمّد اشرف مذكور به سال ۱۳۸۰ هـ.ق در قم به چاپ رسيده است. (عربي)
۱۳. رساله منية العاملين، در شرح حال محدّث شهيد شيخ ابو جعفر محمّد بن فتال نيشابوري كه به سال ۱۳۷۷ هـ.ق به ضميمه كتاب روضة الواعظين آن مرحوم در قم به چاپ رسيده است. (عربي)
۱۴. رساله الفتحية، در شرح حال مير ابو الفتح حسيني شريفى عربشاهى گرگانى الاصل صاحب كتاب تفسير شاهى در آيات الأحكام به فارسى كه به ضميمه كتاب مذكور در تبريز چاپ شده است.
۱۵. رساله مطلع البدرين، در شرح حال محدّث لغوى مفسّر شيخ فخرالدين محمّد على طريحي نجفى، صاحب كتاب مجمع البحرين در لغت كه به سال ۱۳۷۹ هـ.ق به ضميمه كتاب مذكور در تهران به چاپ رسيده است. (عربي)
۱۶. رساله مفرج الكروب، در شرح حال علامه ديلمى صاحب كتاب ارشاد القلوب كه به سال ۱۳۷۸ هـ.ق به ضميمه كتاب مذكور در تهران چاپ شده است. (عربي)
۱۷. رساله طريفه، در شرح حال شيخ محمّد جعفر يا شيخ علينقى كمره‌اى قاضى صاحب تحفة شاهى در معارف الهى فارسى كه به سال ۱۳۸۰ هـ.جى قمرى به ضميمه كتاب مذكور در تهران چاپ شده است. (عربي)
۱۸. رساله در شرح حال استاد خود، مرحوم آيت الله شيخ محمّد محلاتى نجفى، صاحب كتاب گفتار خوش يارقلى به فارسى در ردّ مذاهب باطله كه به سال ۱۳۸۴ هـ.ق به ضميمه كتاب مذكور در تهران چاپ شده است. (فارسى)
۱۹. كتاب منية الرّجال في شرح نخبة المقال در شرح منظومه نخبة المقال در علم رجال تأليف سيّد حسين حسيني بروجردى متوفى به سال ۱۲۷۷ هـ.ق. جلد اول اين شرح به سال ۱۳۷۸ در قم به طبع رسيد. (عربي)
۲۰. رساله در شرح حال شيخ عزّالدين بن اثير موصلى صاحب كتاب اسد الغابة في معرفة الصّحابة كه به ضميمه جلد اول كتاب مذكور در تهران چاپ شده است.

۲۱. رساله در شرح حال آیت الله حاج سید ابوالقاسم طباطبائی تبریزی نجفی، مشهور به علامه، متوفی به سال ۱۳۶۲ ه.ق که به ضمیمه مشجره اجازات علماء امامیه از سید مذکور در دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. (عربی)
۲۲. رساله ریاض الاقاحی در شرح حال متکلم محدث شیخ زین الدین بیاضی عاملی صاحب کتاب الصراط المستقیم الی مستحقى التقدیم که به سال ۱۳۸۴ ه.ق در تهران به ضمیمه کتاب مذکور چاپ شده است. (عربی)
۲۳. کتاب هدیه ذوی الفضل النهی فی ترجمه المولی محمد علم الهدی در شرح حال مولى محمد مشهور به علم الهدی کاشانی این مولى محسن فیض کاشانی که به ضمیمه کتاب معادن الحکمة فی مکاتیب الأئمة علم الهدی در تهران چاپ شده است. (عربی)
۲۴. مقدمه ای بر کتاب «الدرّ المنشور» تألیف جلال الدین عبدالرحمن سیوطی شافعی، شامل فوائد تفسیری و ذکر اختلاف سلیقه مفسرین و فوائد مهم دیگری که به ضمیمه کتاب مذکور در تهران چاپ شده است. (عربی)
۲۵. شرح کتاب عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، تألیف علامه نسب سید جمال الدین احمد بن عنبه حسنی داودی، شامل شرح و حواشی مهم در تراجم نوابغ علویین ذکر شده در کتاب مذکور، از جمله آثار علمی بسیار مهم معظم له به شمار می رود، در چند مجلد. (عربی)
۲۶. رساله الافطسیة در نسب سادات قریه طغرود از قراء قم که به ضمیمه کتاب وقایع الایام مرحوم محدث قمی در تهران چاپ شده است.
۲۷. رساله در اثبات صحّت نسب خلفای فاطمیین مصر که به خواهش علامه فاضل حسن قاسم مصری ساکن قاهره و مدیر مجله هدی الإسلام نوشته شده است. (عربی)
۲۸. رساله در اشباه رسول الله (ص). (عربی)
۲۹. رساله در تعیین مدفن سر مقدس حضرت سید الشهداء (روحی له الفداء) شامل ذکر اقوال مورّخین در تعیین مدفن آن سر و اختیار بین اقوال. (عربی)
۳۰. رساله کشف الظنون عن حال صاحب کشف الظنون، که با کتاب مذکور در تهران چاپ شده است. (عربی)
۳۱. رساله منهج الرّشاد فی ترجمه الفاضل الجواد. (مطبوع)

۳۲. کتاب مزارات الطالبيين. (عربی)
۳۳. کتاب الصرفة في ترجمة صاحب كتاب النفحة.
۳۴. رساله در شرح حال حاج محمد مؤمن شیرازی جزایری.
۳۵. رساله در احوال حضرت سلطان علی فرزند امام باقر(ع) که در مشهد اردهال کاشان مدفون است.
۳۶. رساله المنن و المواهب العددیه در شرح حال میرمحمد قاسم نسابه سبزواری که به ضمیمه کتاب مذکور در تبریز چاپ شده است.
۳۷. کتاب غنیة المستجیز شامل اجازة روایتی مفضلی است برای مرحوم حاج میرزا محمد احمدآبادی اصفهانی. (عربی)
۳۸. رساله در ترجمه احوال صاحب کتاب عمدة الطالب.
۳۹. کتاب الرحلة الإصفهانية، شامل سفرنامه اصفهان و مشاهدات معظمه از آثار و ابنیه تاریخی و قبور علما و ادبا و شرح حال فضایی که با آنان ملاقاتهایی داشته‌اند. (عربی)
۴۰. کتاب الرحلة الشیرازیه، شامل سفرنامه اصفهان و مشاهدات آثار تاریخی و ملاقات و مذاکره با علما، از جمله مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی و همچنین میرزا احمد بن محمد تبریزی قطب سلسله ذهبیه و عارف شاعر سید محمد قدسی خطاط و آیت‌الله حاج شیخ محمدجعفر محلاتی و غیرهم. (عربی)
۴۱. تکمیل کتاب تذکرة القبور آخوند ملا عبدالکریم گزی اصفهانی و این تکمیل تاکنون چاپ نشده، مگر مقداری از آن را که ادیب مورخ سید مصلح‌الدین مهدوی اصفهانی به ضمیمه کتاب مذکور در اصفهان چاپ کرده است.
۴۲. کتاب جذب القلوب الی دیار المحبوب. نام دیگر این کتاب «فاکهة النوادی» در فوائد علمیّه و رجالیه و ادبیه و تاریخیّه و دهها مطالب مفید دیگر. (عربی)
۴۳. رساله در فوائد متعلق به صحیفه کامله سجادیّه که با صحیفه مذکور در تهران چاپ شده است.
۴۴. الرحلة الأذربایجانیه. (نا تمام)
۴۵. حاشیه بر کتاب وقایع الايام محدث قمی.

۴۶. رساله العزیه در شرح حال شهید مظلوم سید عزالدین یحیی مشهور به امامزاده یحیی که قبرش در تهران و مزار اهالی است و به سال ۱۳۸۲ در تهران چاپ شده است.
۴۷. کتاب هدیه النبلاء فی تراجم العلویین من العلماء، در چند مجلد شامل شرح احوال علماء و سادات بعد از سال یکهزار که نام آنان کمتر در کتب رجالی ذکر شده است. (نا تمام - عربی)
۴۸. الضوء البدری فی حیاة صاحب الفخری که با کتاب الفخری قاضی مروزی در علم انساب به سال ۱۴۰۹ ه.ق در قم چاپ شده است. (عربی)
۴۹. المجدی فی حیاة صاحب المجدید که با کتاب المجدی ابن الصوفی در علم نسب به سال ۱۴۰۹ ه.ق در قم چاپ شده است. (عربی)
۵۰. کشف الارتیاب فی ترجمة صاحب لباب الانساب و الاعقاب و الالتقاء که با کتاب لباب الانساب بیهقی در سال ۱۴۱۰ ه.ق در دو جلد در قم چاپ شده است.
۵۱. الدرّة الثیرة فیما یتعلّق بالاجازة الکبیرة که با کتاب الاجازة الکبیرة سید عبدالله جزایری در سال ۱۴۰۹ ه.ق در قم چاپ شده است.
۵۲. الطرائف فی ترجمة صاحب الطرائف که با کتاب طرائف المقال از سید علی اصغر جاپلقی بروجردی در دو جلد به سال ۱۴۱۰ ه.ق در قم چاپ شده است.
۵۳. زهر الریاض فی ترجمة صاحب الریاض که با کتاب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء مولی عبدالله افندی اصفهانی در ۶ جلد عربی در سال ۱۴۰۱ ه.ق در قم چاپ شده است. همچنین همین زهر الریاض در مقدمه کتاب تعلیقه امل الآمل از همان مؤلف به سال ۱۴۱۰ ه.ق در قم چاپ شده است.

* * *

ب. کتب فقه - اصول

۵۴. کتاب مسارح الافکار فی مطارح الأنظار، کتابی است به صورت حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری. (عربی)
۵۵. کتاب مصطلحات فقهیه در شرح الفاظ دائره در زبان فقهاء و مجتهدین و محدثین. (عربی)
۵۶. حاشیه مختصر بر شرح لمعه شیخ زین الدین شهید ثانی. (عربی)

۵۷. حاشیه بر کتاب معالم الاصول شیخ حسن عاملی. (عربی)
۵۸. حاشیه بر کتاب متاجر استاد علامه شیخ مرتضی انصاری. (عربی)
۵۹. کتاب الهدایة فی معاضل الکفایة، حاشیه‌ای است بر کتاب کفایة الاصول آخوند خراسانی، شامل فوائد و مطالب مفید در دو مجلد. (عربی)
۶۰. رساله در بیع خیاری. این رساله به خواهش بعضی تلامذ معظّم له نوشته شده است. (عربی)
۶۱. حاشیه بر قوانین الاصول میرزای قمی. (نا تمام - عربی)
۶۲. رساله در اثبات حلّیت لباس مشکوک. (عربی)
۶۳. کتاب الغایة القصوی، حاشیه‌ای است نسبتاً استدلالی بر العروة الوثقی علامه طباطبائی یزدی در دو مجلد که در قم چاپ شده است. (عربی)
۶۴. حاشیه بر فرائد شیخ انصاری (ره).
۶۵. رساله توضیح المسائل، کتاب فقهی فارسی از طهارت تا دیات که بیش از پنجاه بار به چاپ رسیده است.
۶۶. کتاب سبیل النّجاة، فقه فارسی، بیش از دو بار در قم چاپ شده است و نخستین رساله عملیّه معظّم له می‌باشد.
۶۷. رساله در لباس مشکوک. (عربی)
۶۸. کتاب هدایة النَّاسکین در مناسک حجّ و زیارت حرمین شریفین که در قم چاپ شده است. (فارسی)
۶۹. راهنمای سفر مکه و مدینه، که در تهران چاپ شده است. (فارسی)
۷۰. رساله نخبة الاحکام شامل بعضی مسائل فقهی به فارسی در تهران به چاپ رسیده است.
۷۱. حاشیه بر کتاب الوسیلة مرحوم آیت الله اصفهانی. (عربی)
۷۲. کتاب المصطلحات الفقهیّه. (عربی)
۷۳. مصباح النَّاسکین در مناسک حج، بسیار بزرگ در ۱ جلد که بارها چاپ شده است.
۷۴. کتاب منهاج المؤمنین، رساله عملیّه به عربی که در قم، در سال ۱۴۰۶ در دو جلد به چاپ رسیده است.

ج. مسائل متفرقه

۷۵. کتاب الروض الریاحین، کشکولی است شامل فوائد مهم علمی. (عربی)
۷۶. کتاب اجوبه المسائل الرّازیة، در جواب مسائلی که بعضی از مؤمنین از تهران از معظّم له سؤال کرده‌اند از جمله نجاست الكل و جواز عکّاسی با آلات متداوله و جواز تشریح اجساد در دانشگاهها و مدارس پزشکی و غیر آنها. (عربی)
۷۷. کتاب اجوبه المسائل العلمیّة و الفنون المتنوّعة. (عربی)
۷۸. کتاب انس الوحید، کشکولی است که در عنفوان جوانی در سامرا، نوشته‌اند. (نا تمام - عربی)

* * *

د. حدیث

۷۹. کتاب مفتاح احادیث الشّیعه، در چندین مجلد شامل تعیین موارد احادیث و مواضع آنان. این کتاب تحت اشراف معظّم له با همکاری عده‌ای از افاضل حوزه علمیّه قم تألیف شد و متأسفانه به عللی در حال حاضر تألیف این اثر به حالت تعطیل درآمده است و امیدواریم هرچه زودتر مجدداً اقدام به نوشتن آن شود. (عربی)
۸۰. حاشیه بر کتاب الفصول المهمّه صاحب وسائل. (نا تمام)

* * *

ه. کلام

۸۱. شرح کتاب احقاق الحقّ علامه قاضی نورالله شوشتری مرعشی، شهید به سال ۱۰۱۹ هـ. ق در هند. تا کنون ۲۶ مجلد آن در تهران و قم به طبع رسیده است و شاید بیش از ۵۰ مجلد بشود، شامل فضائل اهل بیت (ع) از طرق عامّه و مناقب آنان و مثالب دشمنانشان و بعضی از مسائل مهم فقهی و اصولی مختلف و آرای آنان. و این موسوعه عظیم بیش از چهل سال بر روی آن کار شده است و به بیش از سه هزار کتاب از کتب اهل سنت به دقت مراجعه گردیده است و مطالب مورد نظر از آن استخراج و در تألیف کتاب فوق به کار رفته است.

* * *

و. ادعیه و زیارات و اوراد و اذکار

۸۲. مجموعه‌ای در ادعیه و زیارات انتخاب شده از کتابهای مفاتیح الجنان و زادالمعاد و اقبال و مصباح و بلدالأمین و کامل الزیارات و مزار کبیر و غیر آنها از مدارک معتبره. تاکنون بیش از ده بار در تهران به وسیله کتابفروشی حافظ به چاپ رسیده است. (فارسی)

۸۳. رساله شمس الأمکنة و البقاع فی خیرة ذات الرّقاء، این رساله به خواهش حجة الإسلام شیخ محمدحسن منتظری مازندرانی ساکن تهران نوشته شده است.

* * *

ز. ادبیات

۸۴. کتاب قطف الخزمی من ریاض الجامی، حاشیه‌ای است بر شرح کافیة عبدالرحمن جامی. (عربی)

۸۵. کتاب المعول فی امر المطول، حاشیه‌ای است بر شرح تلخیص علامه تفتازانی. (عربی)

۸۶. کتاب الفروق، در بیان فرق بین الفاظ متشابه مثل اراده و مشیّت و جسم و جسد و روح و نفس و امثال آن. (عربی)

* * *

ح. منطق

۸۷. کتاب رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة، حاشیه‌ای است بر حاشیة مولی عبدالله یزدی بر کتاب تهذیب المنطق علامه تفتازانی. (عربی)

* * *

ط. نوادر و علوم غریبه

۸۸. حاشیه بر کتاب «سرخاب» در رمل. شامل فوائد متفرقة این علم و واضع آن و اسامی مشهورترین عالمان این علم و کتب معروف آنان. (ناتمام)

۸۹. حاشیه بر کتاب مفتاح علامه ایدمر جلدکی در اعمال شمسی و قمری و زحلی.

۹۰. حاشیه بر کتاب «السرّ المکنون» در علم حروف. (ناتمام)

۹۱. کتاب سلوة الحزین و مونس الکئیب. کشکولی است در فوائد علم جفر و رمل و حروف و اعمال شمسی و زحلی و زهری و مزّیخی و ختومات و اوراد و اذکار مجرّب و مثلثات و بعض مجرّبات طبّی و غیر آن از مطالب متنوعه نفیسه.

۹۲. کتاب الشمعة فی مصطلحات اهل الصنعة، شامل الفاظی است که در زبانهای مختلف در مقام افاده و استفاده قرار می‌گیرد، به ترتیب کتب لغت با حروف الفبایی.

* * *

ی. علوم قرآنی

۹۳. کتاب التّجويد، مشتمل بر فوائد مهم علم تجويد
 ۹۴. کتاب الردّ علی مدعی التّحريف، در ردّ بر کلمات ثقة الإسلام نوری در کتاب فصل الخطاب با بهترین جوابها از اخبار مربوط به تحريف قرآن.
 ۹۵. حاشیه بر کتاب انوار التّنزیل در تفسیر قرآن، تألیف قاضی ناصرالدین بیضاوی.
 (عربی)

* * *

ک. نجوم، فلکیات

۹۶. کتاب الوقت و القبلة. (عربی)

* * *

ناگفته نماند که آثار علمی آن بزرگوار بیش از این است و انشاء الله در زندگینامه ایشان که در دست تهیه و انتشار است، خواهد آمد.
 سؤال: حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) علاوه بر اشتغال در حوزه علمیّه قم، فعالیت‌های دیگری نیز داشته‌اند. در مورد این فعالیت‌ها توضیح دهید.

جواب: معظمّ له در بیشتر اوقات فراغت، اشتغال به تألیف و تصنیف در علوم و فنون مختلف اسلامی داشته‌اند. علاوه بر آن، همه روزه در سه وعده صبح و عصر و شب در حرم مطهر حضرت معصومه (س) اقامت جماعت می‌فرمودند و این کار را تا آخرین روز حیات مبارکشان نیز ترک نفرمودند. یکی دیگر از کارهای معمول ایشان، رسیدگی به امور مقلّدین در داخل و خارج کشور بوده است. برقراری ارتباط با علما و دانشمندان سایر بلاد و کشورها از اهم فعالیت‌های دیگر ایشان به شمار می‌رفته است. مکاتبات ایشان همیشه با دانشمندان بزرگ اسلامی، مثل مرحوم طنطاوی جوهری، صاحب تفسیر الجواهر، مفسّر معروف مصری و... برقرار بود. به خاطر دارم در یکی از

مکاتباتی که ایشان با مرحوم طنطاوی جوهری داشتند، برای ایشان می‌نویسند: «شما در آثارتان از نهج البلاغه ما اسم می‌برید، ولی از صحیفه سجّادیه که بسیار کتاب مهمی است از حضرت سجّاد(ع) اسمی نمی‌برید و من یک نسخه از این کتاب را برای شما می‌فرستم.» و این آقای طنطاوی جوهری در پاسخ برای ایشان می‌نویسند: «خوب شد شما این کتاب را برای من فرستادید و شما شیعیان باید به این کتاب افتخار کنید.» و به عبارت عربی در زیر نامه‌شان نوشته بودند: صحیفه سجّادیه دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق است. به هر حال این مکاتبات و ارتباطات نیز بخشی از اوقات ایشان را به خود اختصاص می‌داد. و سؤالات علمی از معظّم‌له می‌شد و ایشان نیز مبادرت به جواب آنها می‌فرمودند. توضیحاً اینکه پاره‌ای از این مکاتبات در دست است و انشاءالله در فرصت مناسب اقدام به انتشار آن می‌گردد.

سؤال: حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی(ره) از مقام و منزلت خاصی نزد علماء و اساتید برخوردار بوده است و اجازات زیادی از آنان دریافت داشته‌اند. در این مورد توضیحاتی بفرمایید.

جواب: یکی از خصوصیات مرحوم آقا این بود که ایشان مطالعه زیادی داشتند و هر کتابی که به دستشان می‌رسید، همان شب اول می‌نشستند و تا نصف شب و گاهی تا سحر مطالعه می‌فرمودند. سپس رئوس مطالب یا احیاناً مطلبی اگر به نظرشان می‌رسید، در حاشیه یادداشت می‌کردند. لذا اکثر کتابهایی که از منزل ایشان به کتابخانه منتقل شده است (بیش از دهها هزار جلد) این خصوصیت را دارند و روی این زمینه با اشخاص و شخصیت‌های بزرگ دنیا ارتباط و مباحثاتی نیز داشته‌اند. از جمله مباحثه خیلی مهم ایشان با فیلسوف معروف، تاگور هندی می‌باشد که مهمان مرحوم ابوی ما بودند، در قم و مباحثه با وزیر امام زیدیه، امام یحیی که در زمان مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری(ره) از سوی امام یحیی به دعوت ایشان به قم آمده بودند. و ایشان با زیدیه‌ها و علمای مصر و دیگر کشورهای اسلامی و علمای بزرگ داخل کشور روابط حسنه داشته‌اند و به خاطر همین ارتباطات و مباحثات به دریافت بیش از ۲۰۰ اجازه روایتی از این علما نایل آمدند که حدود ۱۶۰ اجازه از

علمای بزرگ شیعی خودمان در ایران و حدود ۱۲ اجازه از علمای اهل سنت و حدود ۲۵ اجازه هم از علمای زیدیه است. این اجازات را در مجموعه‌ای به نام المسلسلات فی الاجازات در دو جلد جمع‌آوری کرده‌ایم که جلد اول شامل مقدمه و عین دستخط علما و جلد دوم شامل زندگینامه‌های آنان است که انشاءالله به زودی چاپ و منتشر خواهد شد. (البته چاپ متن جلد اول به تازگی تمام شده است.) و در این یکی دو سده اخیر در میان علمای اسلامی این تعداد اجازات و نیز عالمی که این قدر احاطه به ممالک اسلامی داشته باشد و دارای ارتباطات فرهنگی در این سطح باشد، سابقه ندارد. حداکثر اجازه‌ای که علمای اسلامی دریافت می‌کردند، شاید به ۲۰ تا هم نمی‌رسید. ولی اجازات ایشان متجاوز از دویست اجازه می‌باشد.

سؤال: درباره نقش معظم‌له در دوران مبارزات انقلابی مردم ایران و پس از پیروزی انقلاب و همچنین رابطه ایشان با رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره) را توضیح بفرمایید.

جواب: مرحوم والد ما در دوران مبارزات انقلابی مردم ایران و همچنین دوران پس از انقلاب اسلامی، همواره در تمامی صحنه‌ها در کنار رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره) بوده است. به خاطر دارم زمانی که ساواک شاهنشاهی حضرت امام را دستگیر و در تهران زندانی کرده بودند، مرحوم آیت‌الله شهید حاج آقا مصطفی (ره) تشریف آوردند در منزل و مشغول صحبت با مرحوم والد بودند که ناگهان مأموران ساواک برای دستگیری ایشان با وضع اسفباری از روی دیوارها به خانه ما ریختند و وقتی با ممانعت مرحوم ابوی روبرو شدند، مشت‌به سینه ایشان زده و بالاخره مرحوم حاج مصطفی را بردند. به هر تقدیر، پس از آزادی امام و تشریف ایشان به قم، مرحوم والد سه روز تمام تشریف می‌بردند بیت امام و در معیت امام و در کنار امام می‌نشستند و با این کار ثابت می‌کردند که مراجع همه در این هدف شریک بوده و متفقاً به دنبال حضرت امام هستند.

در قضیه ۱۵ خرداد که ساواک مجدداً حضرت امام را دستگیر کرد، مرحوم والد از نخستین افرادی بودند که تشریف بردند صحن مطهر و از بلندگو مردم را به تحصن در

صحن مطهر دعوت کردند و مرحوم حاج آقا مصطفی و بعضی آقایان دیگر هم تشریف آوردند، در آن روز مرحوم ابوی اعلامیه‌ای صادر کردند و در آن رژیم را تهدید کردند که چنانچه یک مواز سر آیت‌الله خمینی کم شود، ما به اقدامات دامنه‌داری دست خواهیم زد. پس از آن تا یک هفته منازل مراجع عظام در محاصره نیروهای امنیتی قرار داشت. سپس با مشاوره‌ای که با آقایان و مراجع دیگر داشتند، قرار شد مسافرتی به تهران بکنند. بدین ترتیب ایشان به اتفاق بعضی دیگر از مراجع قم و مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی از مشهد و مرحوم آیت‌الله العظمی خوانساری و علمای منتفذ سایر شهرها که متجاوز از چند صد نفر می‌شدند، در تهران جمع شده و روزانه جلسات متعددی تشکیل داده و خواهان آزادی حضرت امام بودند. چهار ماه تمام این وضع ادامه یافت و رژیم که ادامه این وضع را خطرناک می‌دانست، لذا مرحوم والد ما و مراجع دیگر را دستگیر کرده و در ماشین انداختند و یکسره به قم آوردند. حتی ایشان در راه محصور بودند و می‌خواستند تطهیر کنند، ولی مأمورین گفتند ما حتی یک لحظه هم اجازه نداریم ماشین را نگه داریم. ایشان را آوردند و با یک وضع بدی داخل منزل انداختند و رفتند. پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، نمایندگان از طرف برخی مراجع برای دیدار ایشان می‌رفتند، ولی دولت وقت به بنده که نماینده ایشان بودم، اجازه خروج نداد، لیکن پس از تبعید حضرت امام به عراق، بلافاصله مرحوم ابوی مرا خواستند و چند نامه به من دادند و فرمودند شما مأموریت دارید این چند نامه را به امام برسانید. من با کسب اجازه از محضرشان به طور مخفیانه (به طور مجاز اجازه نمی‌دادند) از طریق خرمشهر خود را به بصره و از آنجا به کربلا رساندم و در بیت حضرت امام به حضور ایشان رسیده و دست مبارکشان را بوسیدم. ایشان سؤال فرمودند شما چطور آمدید؟ عرض کردم حسب‌الامر ابوی و برای ملاقات حضرتعالی شرفیاب شدم. حضرت امام خیلی خوشحال شدند، نامه‌ها را گرفتند و تکلیف فرمودند تا روزی که در عراق هستید، باید در منزل ما باشید. لذا بنده در آن شرایط حساس پس از یک ماه اقامت در بیت ایشان در نجف اشرف، با کسب اجازه از محضر ایشان به ایران مراجعت نمودم و نامه‌هایی را هم ایشان در پاسخ نامه‌ها دادند و فرمودند سعی کنید اینها به دست نیروهای امنیتی نیفتد. در زمانی هم که امام در پاریس تشریف داشتند، بنده از طرف مرحوم ابوی خدمت ایشان

شرفیاب می‌شدم. و در مجموع، روابط امام و ابوی ما بسیار خوب بود و نامه‌های زیادی بین آن دو بزرگ ردّ و بدل می‌شد. و همچنین مرحوم حاج آقا مصطفی نامه‌های زیادی را به مرحوم ابوی می‌نوشتند و می‌فرمودند: «من واقعاً همانگونه که به پدرم احترام می‌گذارم و علاقمند هستم، به حضرت‌عالی هم علاقمند هستم.» بعضی از این نامه‌ها را الآن در اختیار داریم. همچنین مرحوم ابوی کراراً می‌فرمودند: «حضرت امام را من به تازگی نمی‌شناسم، بلکه از همان اوایل ورودم به شهر قم حجره‌ای در مدرسه دارالشفا داشتم و به فاصله یک حجره، حجره حضرت امام قرار داشت و در نزدیکی ما بود و ما با حضرت امام از همان زمانها آشنایی نزدیک داشتیم». به هر حال مرحوم ابوی خیلی به حضرت امام علاقمند بودند و اعلامیه‌ها و سخنرانیهای ایشان گواه این مطلب است.

یادی از سال ۱۳۸۴

اینک قسمتی از سخنرانی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) که در روز شنبه ۲۳ رجب ۱۳۸۴ در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه (س) ایراد فرمودند:

در این قضایای اخیر، و مسائل روز که پیش آمد، در اینجا علمایی که اقدام کردند از جمله سید بزرگوار المجاهد فی سبیل‌الله، حضرت مستطاب آیت‌الله آقای خمینی دامت برکاته، آیا ایشان و سایر علمای اعلام می‌خواهیم ببینیم هدفی غیر از این هدفها داشتند؟! شما را به خدا (این آقایان) در بیاناتشان و نوشتجاتشان هدفی غیر از این داشتند؟ آیا هدفشان حفظ دین نبود، حفظ احکام الهیه نبود، آیا هدفشان حفظ استقلال مملکت نبود؟ و می‌گفتند کاری نکنید که ما سرشکسته شویم و مملکت به دست اجانب بیفتد، کاری نکنید که منجر به یک مفاسدی بشود، غیر از این حرفها بود؟ والله غیر از این نبود. بالله غیر از این نبود. تالله غیر از این نبود. با قسم جلاله عرض می‌کنم. هر کسی قلمی برداشت. هر کسی حرفی زد، تمام هدفش همین است. همه علمای با این هدف شریکند، حفظ مملکت و حفظ استقلال آن و حفظ احکام شرعیّه و احکام الهیه. روحانی هدفش این است و این یک هدف مقدسی است. سابقین و لاحقین و

آینده‌ها هم انشاءالله در این هدف شریکند و فعلاً هم همه شریکند. اگر ایشان تبعید شده‌اند، اگر ایشان گرفتار شوند، همه گرفتار شده‌اند....

خصوصیات اخلاقی

سؤال: در رابطه با خصوصیات اخلاقی معظم‌له مطالبی بیان بفرمایید.
 جواب: حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی(ع) از سجایای اخلاقی بی‌شماری برخوردار بوده‌اند که ذکر همه این خصوصیات در این وقت کم‌مقدور نیست و ما تنها به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم.

۱. ساده زیستن

یکی از خصوصیات برجسته ایشان ساده‌زیستی و عدم توجه به مسائل مادی و زخارف دنیوی بود. ایشان پس از اقامت در قم و ازدواج با والده‌ما از نظر مالی مدت‌ها در وضعیت بدی به سر می‌بردند و مدت‌ها ایشان اجاره‌نشین بودند تا اینکه کم‌کم با تهیه یک زمین کوچک در آن خانه‌ای ساختند و تا آخر عمرشان نیز در آن زندگی کردند. ایشان هیچ وقت از وضعیت مالی مطلوبی برخوردار نبودند و هر آنچه به دست می‌آوردند، در راه رفع حوائج مردم مصرف نموده، یا وقف می‌کردند و هیچ‌گاه مالی را به خودشان اختصاص نداده‌اند. می‌فرمودند: «من شب که می‌خوابم هیچ پولی، هیچ اندوخته‌ای در جیب من نباشد، چون ما عامل هستیم. ما باید از این دست بگیریم و با دست دیگر بدهیم به فقرا، ایتام، نیازمندان و کمک کنیم به مراکز علمی، دینی و فرهنگی، اینها مال ما نیست!» و تا آخر عمر نیز چنین بودند. شب آخری که ایشان رحلت فرمودند، همان شب به بنده می‌فرمودند: «من خیلی بارم سبک است و هیچ نگرانی ندارم، تنها یک چیز مرا زجر می‌دهد و آن این است که می‌ترسم در ایام زندگیم نوشته‌من یا صحبت‌های من در هر موردی باعث شده باشد که حقی ناقص شود، یا در همسایگی ما گرسنه‌ای بوده باشد و ما غذای سیر خورده باشیم که والله و بالله و تالله اگر چنین چیزی بوده من آگاهی نداشته‌ام و نصیحت می‌فرمودند که شما هم بارتان را سبک کنید و از تجمل‌پرستی و خانه بزرگ و... بپرهیزید، که همه چیز ظرف چند دقیقه نابود می‌شود». و روزی که ایشان از دنیا رفتند، یک قبا داشتند که مشکی

بود و در ایام محرم و صفر می پوشیدند و مجموع پولی که در جیب ایشان بود، هشتصد تومان بود و هیچ اندوخته‌ای، زمینی یا ملکی نداشتند و هر آن‌چه به دستشان می رسید، در موارد فوق‌الذکر مصرف می کردند.

۲. عشق به کمال و علم

یکی دیگر از خصوصیات ایشان علاقه و عشق بی حد و حصر نسبت به کسب علم و دانش بود. یک وقتی ایشان نقل می فرمودند:

زمانی که ما در نجف اشرف به تحصیل اشتغال داشتیم، گاهی می شد که ما تا ۴۰ روز اصلاً گوشت گیرمان نمی آمد که بخوریم، خوب آقازاده هم بودیم و رویمان نمی شد برویم پیش اعلام آن وقت و دست دراز کنیم و گاهی آنقدر سرگرم درس بودیم که تا ۲۴ ساعت گرسنه می ماندیم ولی اصلاً توجه به این مسائل نداشتیم.

می فرمودند:

زمانی که من در مدرسه قوام در نزدیکیهای صحن مطهر مولی امیرالمؤمنین در نجف اشرف به تحصیل اشتغال داشتم، با مرحوم آیت الله حاج سید ابوالقاسم ارسنجانی شیرازی که از علمای بزرگ شیراز بودند، هم حجره بودیم، ما گاهی گرسنه می شدیم و هیچ چیز نداشتیم بخوریم. بعضی از اعیان و اشراف آن روز هم فرزندان خود را می فرستادند به نجف اشرف که درس بخوانند، ولی اینها معمولاً می آمدند و درس نمی خواندند و آش و پلویی راه می انداختند و عده‌ای هم از این افرادی که دنبال دنیا بودند، دور اینها را می گرفتند و ارتزاق می کردند. گاهی اینها کاهوی زیادی می خریدند و می آمدند در کنار حوض و برگهای زیادی را می ریختند در حاشیه حوض و ساقه‌های وسطش را می بردند و می خوردند. و من و آن رفیق هم حجره‌ام با هم می رفتیم این برگهای اضافی کاهوها را مخفیانه جمع می کردیم و با آنها سد جوع می کردیم و هیچ‌گاه هم به خودمان اجازه نمی دادیم که برای کسی بازگو کنیم، ولی آنی از تحصیل و تدریس غافل نبودیم.

۳. استفاده از امکانات داخلی

حضرت آیت‌الله خصوصیت دیگری که داشتند، می‌فرمودند: «من از روز اولی که خودم را شناختم و روی پای خودم ایستادم، از البسه خارجی استفاده نکرده‌ام.» و تا آخر عمرشان هم همینطور بودند و می‌فرمودند: «این یک راه مبارزه با استعمار و استعمارگران است.» حتی یک وقتی من هنوز کوچک بودم، خیاط آمد و به ایشان گفت: آقا دکمه از خارج می‌آید و برای قبا ناچاریم از آن استفاده کنیم، ایشان اجازه ندادند و مدتی در این فکر بودند که چه بکنند، بعد یکی گفت بعضی از خانمها در خانه از این قیطانیهایی که به لب عبا می‌دوزند، شبیه دکمه درست می‌کنند و شما می‌توانید این را به خیاط بدهید و لذا لباسهای ایشان هیچ وقت دکمه نداشت و از همین قیطانیهایی که در داخل تولید می‌شد استفاده می‌کردند.

۴. مداومت بر نماز جماعت

خصوصیت دیگر ایشان، پایبندی ایشان به اقامه جماعت در حرم مطهر حضرت معصومه (س) بود. از همان زمان قدیم، نزدیک به ۶۰ سال پیش ایشان مرتب سه وعده مشرف می‌شدند به حرم مطهر و در آنجا اقامه جماعت می‌فرمودند. صبحها نخستین زائر حضرت معصومه (س) ایشان بودند، گاهی یک ساعت قبل از اذان تشریف می‌بردند پشت درب صحن و آنجا می‌نشستند تا فرآش حرم بیاید درب را باز کند و ایشان نخستین زائر حرم باشند. در زمستانهای خیلی سرد (که برف زیادی می‌بارید و گاهی ارتفاع برف به ۸۰، ۹۰ سانتی‌متر می‌رسید) ایشان قبل از اذان صبح، پارویی به دست می‌گرفتند و از منزل تا حرم مطهر مسیر را برای مردم باز می‌کردند و هرگاه هم کسی می‌گفت آقا شما این کار را نکنید، می‌فرمود: من می‌خواهم ثواب کنم.

رفتار ایشان چه با اهل منزل و چه با دیگران بسیار صمیمی بود و ایشان اجازه می‌فرمودند که هر کس مشکلی دارد بیاید مطرح کند و ارائه طریق می‌فرمودند. سینه ایشان به قول خودشان صندوق اسرار مردم بود. ایشان در غم و شادی مردم شریک بودند و در مراسم مختلف و فیات و مجالس عقد و عروسی آنان شرکت می‌کردند و می‌فرمودند: «من به اکثر منازل قمیها قدم گذاشته‌ام.»

۵. ارادت به اهل بیت(ع)

یکی دیگر از بارزترین خصوصیات اخلاقی ایشان علاقه و اظهار ارادت و توسل و تضرع شدید نسبت به ائمه معصومین(ع) بود. ایشان می فرمودند: از روزی که خودم روی پای خودم ایستادم، هرگاه لباس نوی می دوختم، نخستین بار می بردم در حریمهای ائمه(ع) و با مالیدن به ضریح، آن را متبرک نموده، بعد از آن استفاده می کردم، ساختمان کتابخانه، مدرسه، حسینیه و یا هر ساختمانی که مستقیم زیر نظر ایشان ساخته می شد، وقتی گودبرداری می کردند، ایشان مقداری از تربت سیدالشهداء(ع) را در پیهای آن می ریختند و می فرمودند با این تربت من اینجا را بیمه می کنم. و به خصوص هر وقت مشرف می شدند به حرم، در آستانه حرم، هنگام ورود خودشان را روی زمین می انداختند و محاسنشان را روی خاکهای درب ورودی حرم می مالیدند و به ما می گفتند شماها مثل اینکه خجالت می کشید این کار را انجام دهید. این خجالت باعث می شود شما از در خانه اینها دور شوید و شما باید کاری کنید که دیگران هم تأسی کنند. علاوه بر این در مجالس روضه خوانی هر کجا نام مبارک ائمه معصومین(ع) برده می شد، ایشان واقعاً بی اختیار اشک می ریختند. و آن زمان که حالشان مساعد بود، به طور ناشناس شبهای عاشورا کراراً در میان جمعیتهای عزادار می رفتند و به سینه زنی می پرداختند و می فرمودند: من با این سینه زنی خودم را در طول سال بیمه می کنم. همچنین می فرمودند: من در این مدتی که در قم هستم، هرگاه مشکلی داشتم می رفتم حرم مطهر حضرت معصومه(س) و چند ساعت در آنجا دخیل می شدم و معمولاً گره گشایی می شد. ایشان از روی عشق و علاقه خاصی که به ائمه معصومین(ع) داشتند، سعی می کردند خودشان را خادم ائمه اطهار(ع) بدانند و سعی هم داشتند که از طریق مکتوب باشد، یعنی واقعاً خادم آنها باشند. لذا دارای چندین حکم افتخاری در حریمهای مشاهده مشرفه شامل منصب تدریس و خدمت افتخاری در حرم مطهر فاطمه معصومه(س) در قم، منصب خدمت افتخاری در حرم حضرت ثامن الحجج(ع)، منصب تدریس و خدمت افتخاری در حرم حضرت سیدالشهداء(ع) در کربلا، منصب تدریس و نقابت سادات و خدمت افتخاری در حرم حضرت ابوالفضل العباس(ع) منصب خدمت افتخاری در حرم احمد بن الإمام موسی بن جعفر(ع) معروف به شاه چراغ در شیراز، منصب خدمت افتخاری در حرم حضرت

عبدالعظیم حسنی در شهر ری، منصب خدمت افتخاری در بقعهٔ سید جلال‌الدین اشرف از احفاد امام موسی بن جعفر (ع) در آستانهٔ اشرافیّهٔ گیلان، و منصب خدمت افتخاری در حرم علی بن الامام محمد باقر (ع) در مشهد اردهال کاشان بودند. لذا همیشه در پایان دستنوشته‌هایشان مرقوم می‌فرمودند: «خادم علوم آل محمد (ص)»، «خادم اهل بیت عصمت و طهارت». مرحوم والد با وجود کسالت‌هایی که داشتند و با وجود کهولت سنّ، در سنّ ۹۶ سالگی هیچ‌گاه از خدمت به مردم غفلت نمی‌نمودند و همین اواخر عمر و حتی در همین سال آخر، روزی یک مرتبه می‌رفتند در حرم مطهر و آنجا درس می‌دادند. هر چه ما خواهش می‌کردیم آقا شما این درس را در منزل برگزار کنید، نمی‌پذیرفتند و حتی ایشان همیشه با تا کسی به حرم مشرف می‌شدند. من این اواخر به ایشان عرض کردم آقا یک اتومبیل پیکان را الآن بسیاری از مردم دارند و اگر شما بخواهید سوار شوید مسأله‌ای نیست. ایشان می‌فرمودند: می‌دانم، ولی من روزی دو سه ساعت بیشتر با ماشین کار ندارم، برای چه یک ماشین و یک راننده را اسیر کنم؟ من زمانی سوار اتومبیل شخصی می‌شوم که همه بتوانند از آن استفاده کنند.

بناها و آثار دینی

سؤال: حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) مراکز و مؤسّسات ارزنده‌ای نظیر مدارس، مساجد، کتابخانه و... از خود به جای گذارده‌اند، در این مورد توضیح بفرمایید.

جواب: ایشان از زمان قدیم که در قم اقامت گزیدند، همیشه در فکر احداث مدرسه، مسجد، حسینیه، کتابخانه و آثار خیریه بوده‌اند. مثلاً قبل از این که شهر قم دارای آب لوله کشی شود، مردم از طریق آب انبارها، آب مصرفی خود را تأمین می‌کردند. لذا این آب انبارها نقش مهمی در زندگی مردم داشت. به همین لحاظ مرحوم والدمان در آن زمان، بیش از صدها آب انبار چه به صورت مستقیم که خودشان بانی بودند و چه به صورت غیرمستقیم که دخالت داشتند، احداث نمودند. البته با جایگزینی آب لوله کشی این آب انبارها به تدریج از میان رفت و به جای آنها مساجد، حسینیه‌ها یا مؤسّسات دیگری

ساخته شده است. علاوه بر این ایشان در ساخت مساجد و حسینیه‌های بسیاری چه در شهر قم و چه در شهرهای دیگر و حتی در کشورهای خارجی دخالت داشته‌اند. مدارس علمیه مرعشیه، مهدیه، مؤمنیه، و شهابیه و حسینیه جنب بیت و کتابخانه عمومی و کوی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی واقع در خیابان آذر قم از دیگر آثار احداث شده توسط ایشان است که به اختصار در مورد هر یک توضیح می‌دهم.

مدرسه مرعشیه که در خیابان ارم واقع شده، دارای سه طبقه است و در حال حاضر، طلاب در آن سکونت دارند و بسیاری از دادستانهای کل انقلاب و نمایندگان مقام معظم رهبری در نهادها، فارغ‌التحصیلان این مدرسه می‌باشند. مدرسه مهدیه در خیابان باجک واقع بوده، و در دو طبقه هم‌اکنون دایر است و حدود ۸۰ طلبه دارد.

مدرسه دیگر که مدرسه بزرگی هم هست، مدرسه مؤمنیه است که در خیابان چهارمردان (انقلاب) واقع است. ساختمان این مدرسه در دو طبقه و دارای کتابخانه و ۷۶ حجره و به ظرفیت ۲۲۲ نفر است. کتابخانه این مدرسه در حدود ۳۵۰۰ جلد کتاب دارد. مدرسه شهابیه واقع در خیابان امام، در محل تنها سینمای سابق قم که به دست جوانان غیور و مبارز این شهر در زمان طاغوت منفجر و سپس به امر معظم‌له خریداری و در ۳ طبقه ساخته شد که قسمتی از آن جهت سکونت طلاب و قسمتی دیگر به روابط عمومی و انتشارات کتابخانه اختصاص دارد.

حسینیه که در جنب بیت ایشان واقع شده و ایشان دستور داده‌اند که بدون استثنا در تمام مراسم و فیات ائمه معصومین (ع) در آنجا روضه‌خوانی دایر باشد و غیر ایام روضه‌خوانی هم آقایان طلاب بیایند برای خواندن دروسشان و الآن به صورت مدرسه‌ای است که از صبح تا شب در آنجا تدریس می‌کنند. کتابخانه عمومی که در خیابان ارم واقع و از نظر کتب چاپی و خطی موجود در آن، در ردیف بزرگ‌ترین کتابخانه‌های اسلامی جهان است.

سؤال: گفته می‌شود معظم‌له علاقه و توجه خاصی نسبت به جمع‌آوری کتب نفیس و نسخه‌های منحصر به فرد داشته‌اند. در این مورد اگر مطالبی دارید بفرمایید.

جواب: مرحوم والد از همان زمانهای قدیم موضوعی را تشخیص داده بودند و آن این بود که استعمارگران برای تاراج بردن فرهنگ و منابع اسلامی به این کشورها سرازیر شده بودند. اینها دستنوشته‌ها و کتابهای قدیمی و نسخه‌های خطی نفیس و منحصر به فرد را می‌خریدند و به کشورهای خود می‌بردند، و بدین ترتیب ما را از دسترسی به این منابع و مأخذ نفیس محروم می‌کردند، مرحوم ابوی این خطر را به خوبی حس کرده بودند، لذا علاقه زیادی به جمع‌آوری این‌گونه آثار از خود بروز می‌دادند. ایشان از همان جوانی کتابچه‌ای را تهیه کرده بودند و اسامی کتابهای مهم و منابع اسلامی را که در دسترس نبود، در آن یادداشت می‌کردند که به تدریج بتوانند اینها را فراهم کنند. (الآن این کتابچه در اختیار ماست.) کتابهای زیادی را در آن اسم برده‌اند و به مرور زمان هر کدام را خریده‌اند. در مقابل مرقوم فرموده‌اند خریداری شده. البته این کار برای ایشان بسیار مشکل بوده است، چون ایشان آن روز مشکل مالی داشتند و حتی نمی‌توانستند سدّ جوع کنند. ولی در مقابل، نمایندگان کنسولگری انگلیس در این رابطه پولهای فراوانی خرج می‌کردند و چنانچه اثری را به دست می‌آوردند، به هر قیمتی که بود آن را می‌خریدند. لذا مرحوم ابوی پس از رفع نیازهای ضروری حیات، هر آنچه که به دست می‌آوردند، برای خرید این کتابهای نفیس و مأخذ و مصادر مصرف می‌کردند. حتی ایشان وقتی پول کم می‌آوردند، برای خرید کتاب با گرفتن نماز و روزه استیجاری پولی تهیه می‌کردند و کتابی را می‌خریدند. ما الآن کتابهایی در کتابخانه داریم که در حاشیه آن نوشته شده: من این کتاب را خریدم، مثلاً در قبال یک ماه روزه و یا شش ماه نماز که برای فلان کس استیجار نموده بودم، و حتی گاهی که از این راه هم تأمین نمی‌شد، مدّتی را شبها بعد از فراغت از درس و بحث می‌رفتند در کارگاه برنج‌کوبی کار می‌کردند و با دستمزد به دست آمده به خرید کتاب مبادرت می‌ورزیدند. ایشان نقل می‌کردند: «آن وقتها من در مدرسه قوام که در محله «مشراق» نجف واقع است، حجره داشتم. یک روز از مدرسه به قصد خرید از بازار که جنب صحن علوی بود حرکت کردم. ابتدای بازار ناگهان چشمم به زنی خورد که کنار دیوار نشسته و تخم‌مرغ می‌فروشد. برای خرید تخم‌مرغ به طرف آن زن رفتم و با تعجب از زیر چادر زن، گوشه کتابی را دیدم، شدیداً حس کنجکاوی‌ام

تحریک شد، به طوری که مدتی خیره به کتاب نگاه کردم، حالا دیگر قسمت بیشتری از کتاب از زیر چادر زن بیرون آمده بود، طاقت نیاوردم و پرسیدم این چیست؟ زن همانطور که تخم مرغها را با احتیاط جابجا می‌کرد، با خونسردی نگاهی به من انداخت و گفت: «کتابه، فروشی است.» کتاب را از دست زن گرفتم و عنوان را خواندم و با حیرت تمام متوجه شدم که نسخه نایاب «ریاض العلماء»ی علامه میرزا عبدالله افندی است که احدی آن را در اختیار ندارد، مانند یعقوبی که یوسفش را پیدا کرده باشد، با شور و شعفی وصف ناشدنی به زن گفتم این را چند می‌فروشی؟ زن گفت: پنج روپیه. و من گفتم: تمام دارایی من صد روپیه است که حاضرم برای این کتاب بدهم و زن تخم مرغ فروش با خوشحالی پذیرفت. در همین گیر و دار سرو کله کاظم دچیلی پیدا شد. این کاظم دلال کتاب بود و برای انگلیسیها کار می‌کرد. نسخه‌های نایاب و کتابهای قدیمی را به هر طریقی به چنگ می‌آورد و توسط حاکم انگلیسی نجف که گویا اسمش «میجر» بود، به کتابخانه لندن می‌فرستاد و این میجر نخستین حاکم انگلیسی بود که در نجف به حکومت گماشته شد.

کاظم دلال، کتاب را به زور از دست من گرفت و به زن گفت: من بیشتر می‌خرم و مبلغی خیلی بالاتر از آنچه من پیشنهاد کرده بودم به زن پیشنهاد نمود. در آن لحظه من اندوهگین رو کردم به سمت حرم شریف امیرالمؤمنین (ع) و آهسته گفتم: «آقا جان من می‌خواهم با این کتاب به شما خدمت کنم، پس راضی نباشید این کتاب از دست برود.» هنوز کلامم تمام نشده بود که زن تخم مرغ فروش رو کرد به دلال و گفت به تو نمی‌فروشم، این کتاب مال این آقا است و کاظم شکست خورده و عصبانی از آنجا دور شد. پس من به زن گفتم بلند شو برویم تا پول کتاب را بدهم. زن همراه من به مدرسه آمد، در حجره بیشتر از ۲۰ روپیه نداشتم. تمام لباسهای کهنه و قدیمی ام را با ساعتی که داشتم، برداشتم و همراه زن به دکان حاج حسین شیش که دلال لباس بود رفتم و همه را به او دادم تا برایم بفروشد، او هم بلافاصله دست به کار شد و با داد و فریاد مشتریها را خبر کرد تا آنها را به طریقی بفروشد و در این بین زن تخم مرغ فروش مرتب نق می‌زد و غرغر می‌کرد که آقا خیلی ما را معطل کردی و آن بابا پول نقد می‌داد. ساعت و لباسهای نو و کهنه که فروش رفت، باز هم صد روپیه جور نشد، ناچار به طرف

مدرسه راه افتادم و زن تخم‌مرغ‌فروش هم غرغرکنان به دنبالم آمد، در مدرسه شروع به قرض گرفتن از دوستان طلبه‌ام کردم. از یکی پنج روپیه از یکی ده روپیه و از دیگری پانزده روپیه و... تا اینکه پول جور شد و زن کتاب را به من داد و به راه خود رفت و من در آن لحظه از شادی دست یافتن به آن کتاب عظیم در پوست خود نمی‌گنجیدم.

یک ساعتی از ختم معامله نگذشته بود که کاظم دلال همراه شرطه‌ها به مدرسه حمله کردند و مرا دستگیر کرده و پیش حاکم انگلیسی (میجر) بردند. میجر مرا به سرقت کتاب متهم کرد و به زبان انگلیسی عربده‌ها کشید و چیزهایی گفت که من فکر می‌کنم بیشتر فحش و ناسزا بود. از فحش و ناسزا طرفی نبست و دستور داد تا مرا به زندان بیاورند. آن شب در زندان مدام با خدا راز و نیاز می‌کردم که کتاب در مخفیگاهش محفوظ بماند.

روز بعد مرجع بزرگ آن وقت، حاج میرزا فتح‌الله نمازی که به شیخ الشریعه شهرت داشت و میرزا مهدی پسر آخوند صاحب کفایه، جماعتی را برای آزادی من به نزد حاکم فرستادند. بالأخره نتیجه کار این شد که من از زندان آزاد شدم، با این شرط که در مدت یک ماه کتاب را به میجر تسلیم کنم.

پس از آزادی از زندان، به سرعت به مدرسه رفتم و همه دوستان طلبه‌ام را جمع کردم و گفتم: باید کار مهمی را انجام بدهیم که خدمت به شریعت مقدسه است.

طلبه‌ها گفتند: چه کاری؟

و من گفتم: باید از این کتاب نسخه‌برداری کنیم. این دو، جزء، دوم و سوم از ده جزء این کتاب بزرگ است که با حاء مهمله و لفظ حسن شروع می‌شود. طلبه‌ها با شور و شوق شروع به نسخه‌برداری و مقابله کردند، به طوری که قبل از مهلت مقرر الحمدلله کار به پایان رسید و نسخه دوم آماده شد. اما من هرچه با خودم فکر می‌کردم، نمی‌توانستم خودم را راضی کنم که آن کتاب را به میجر تحویل بدهم. در این مورد خیلی فکر کردم و با خودم سر و کله زدم تا اینکه یک روز کتاب را برداشتم و به خانه شیخ الشریعه رفتم و گفتم: شما امروز مرجع مسلمین هستید و این هم کتابی است که همانند و نمونه‌اش در جهان مسلمین پیدا نمی‌شود و حالا یک آدم انگلیسی می‌خواهد این کتاب را تصاحب کند. شیخ الشریعه وقتی کتاب را دید، بلند شد و نشست و چند بار این کار را تکرار کرد

و پرسید: این همان کتاب است؟

گفتم: بله.

شیخ الشریعه گفت: الله اکبر، لا اله الا الله ... و بعد کتاب را از من گرفت و تا انتهای مهلت مقرر، پهلوی خودش نگهداشت. اما گفتم این است که قبل از پایان مهلت با یک قیام و هجوم مردمی که به سرکردگی حاج نجم بقال صورت گرفت، حاکم انگلیسی یعنی میجر به قتل رسید و کتاب در خانه شیخ الشریعه باقی ماند و بعد از فوت ایشان به ورثه اش منتقل شد که من پس از آن دیگر اطلاعی از این کتاب ندارم. اما از نسخه‌ای که طلبه‌ها با مشارکت هم تهیه کرده بودند و پیش من بود، ۱۲ نسخه دیگر استنساخ شد که از آن جمله، نسخه آیت‌الله سید حسن صدر، و نسخه آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین است. همچنین نسخه‌های دیگری که نزد افراد دیگری موجود است.»

و نسخه ما امروز در کتابخانه ما در شهر قم است که البته بنده در قم جزء دیگری را پیدا کردم که آن هم الآن در کتابخانه ماست و این واقعه بین سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ هجری قمری می‌باشد.

ایشان وقتی هم که به قم می‌آیند، برای تهیه کتاب اقدام می‌کنند. هر روز در مدرسه فیضیه در دقایقی که ایشان استراحت داشتند بعضی افراد کتابهایی را می‌آوردند آنجا و حراج می‌کردند می‌فرمودند من این کتابهای موریا نه خورده را آن روزها می‌خریدم و بعضی از آقایان طلاب که رد می‌شدند، می‌گفتند این کتابها را ایشان می‌خواهد چه بکند، وقتی این چاپهای زیبای امروزی هست، این کتابها را باید ریخت مثلاً در چاه یا در رودخانه، این آقایان توجه نداشتند که مصادر اصلی ما اینها هستند و خیلی از اینها هنوز چاپ نشده‌اند.

با گذشت زمان این کتابها در منزل جمع‌آوری و در چندین اطاق روی هم انباشته شده بود و استفاده از اینها مشکل بود. لذا مرحوم والد حدود ۲۷۸ جلد از کتب خطی فارسی را به دانشکده الهیات آن روز اهدا فرمودند که در مقدمه فهرست جلد اول آن کتابخانه نوشته شده است. مقداری هم به کتابخانه آستان قدس هدیه کردند و مقداری هم به کتابخانه آستان مقدسه قم و بعضی کتابخانه‌های کوچک دیگر، ولی کتابهای مهم را نگه داشته بودند تا زمانی که یک کتابخانه بزرگی تشکیل دهند.

سرانجام با ساخته شدن مدرسه مرعشیه، یک حجره کوچک را اختصاص دادند به

کتابخانه مدرسه با چند قفسه و کتابها را به تدریج از منزل منتقل کردند، چند روز گذشت و جمعیت کتابخوان بیشتر شد، لذا طبقه سوم مدرسه برای کتابخانه ساخته شد، ولی باز هم طولی نکشید که مراجعین بی شمار شدند و جا نبود و این خلأ حس می شد که یک کتابخانه بزرگ ضرورت دارد ساخته شود. لذا زمین فعلی ساختمان کتابخانه به وسیله افراد خیر خریداری و به تدریج ساخته شد.

تأسیس کتابخانه فعلی

سؤال: همانگونه که رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره) تصریح فرموده‌اند، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) از کتابخانه‌های کم نظیر و یا بی نظیر ایران است، لطفاً تاریخچه تأسیس و وضعیت فعلی کتابخانه را بیان فرمایید.

جواب: این کتابخانه در سال ۱۳۵۳ ه. ش رسماً به دست مبارک ایشان افتتاح شد. روزهای اول حدود ۱۰ هزار جلد کتاب بیشتر نبود، ولی به مرور حضرت آیت الله کتابهایی را که با زحمات فراوان و تحمّل مرارتهای زیاد در طول چندین سال تهیه کرده بودند، به این کتابخانه اهدا فرمودند.

این کتابخانه در حال حاضر دارای بیش از ۲۵ هزار جلد از کتابهای دستنوشته بسیار نفیس و منحصر به فرد است که بعضی از این مجلدها خود شامل مجموعه‌هایی هستند که چندین رساله در آن است. مجموعاً میانگین عناوین خطی کتابخانه چیزی در حدود ۵۰ هزار عنوان می شود و در میان اینها کتب زیادی با خطوط علماء و دانشمندان بزرگ، به خصوص از قرن پنجم به بعد، نظیر خط مبارک مرحوم شیخ طوسی صاحب تفسیر تیان، خط محقق حلّی، صاحب شرایع و علامه حلّی و فخرالمحققین و به خصوص از قرن هشتم به بعد تألیفات کلیه علمای شیعه، و به ویژه مشاهیر، به خطوط خودشان در کتابخانه موجود است. و در حال حاضر داریم از روی تمام نسخه‌های خطی میکرو فیلم می گیریم و این میکرو فیلمها را در یک ساختمان مجزا نگهداری می کنیم که احیاناً اگر اصل این کتابها از بین رفتند، لااقل میکرو فیلم موجود باشد. فهرست کتابهای خطی این کتابخانه بیش از ۵۰ جلد می شود که تا کنون ۲۱ جلد

آن، به ضمیمه دو جلد راهنمای آن چاپ شده است و چاپ بقیه هم ادامه دارد. و این فهرستها برای کلیه کتابخانه‌های مهم داخل و خارج کشور فرستاده می‌شود. بخش دیگری از کتابهای کتابخانه، شامل کتابهای عکسی وجود دارد که هم اکنون در گنجینه کتابهای عکسی این کتابخانه حدود ۳ هزار جلد کتاب عکسی وجود دارد. این عکسها از روی نسخه‌های خطی نفیس موجود در کتابخانه‌های بزرگ دنیا که اکثراً در زمان رضاخان از ایران خارج شده، تهیه شده‌اند. مجموعه کتابهای چاپی نیز تا این لحظه افزون بر ۳۰۰ هزار جلد کتاب به زبانهای فارسی، عربی و مقدار کمی هم اردو و ترکی در علوم مختلف اسلامی و غیراسلامی است و حدود ۱۵ هزار جلد هم به زبانهای دیگر می‌باشد.

در این کتابخانه منابعی هست که در کتابخانه‌های دیگر نیست، به خصوص کتابهای خطی. همچنین ما کتابهای چاپی بسیار مهمی داریم که نظیر کتاب خطی هستند، مثل قانون ابن سینا و نجات ابن سینا که در ۴۰۰ سال پیش در رم چاپ شده‌اند، تحریر اقلیدس که در ۵۰۰ سال پیش در اروپا چاپ شده است، کتاب شرایع به زبان روسی که ۱۳۰ سال قبل در لنینگراد چاپ شده، شرایع به زبان فرانسه که ۸۰ سال قبل در پاریس چاپ شده و اینها همه ذخایری هستند که در کتابخانه‌های دیگر نیست و واقعاً این مقدار از کتابهای خطی و چاپی که مورد توجه مستشرقین و اسلام‌شناسان سراسر دنیا است، پشتوانه فرهنگی عظیمی برای ما شیعیان است و بسیاری از این کتابها از نفایس دهر هستند. در حال حاضر همه روزه شاهد مراجعه افراد و محققینی هستیم که از مراکز آموزشی و دانشگاهها به اینجا مراجعه می‌کنند و از منابع غنی و ذخایر موجود در این کتابخانه بهره‌مند می‌گردند.

کتابخانه فعلاً دارای بخشهای مختلف از جمله میکروفیلم با لابراتوار مجهز، آسیب‌شناسی و آفت‌زدایی، بازسازی، مرمت، صحافی و روابط عمومی و بخش تحقیقات و ویراستاری متون، بخش اداری و مالی، واحد فهرست‌نویسی خطی و چاپی، واحد پستی و دبیرخانه و از ساعت ۷ صبح تا ۹/۳۰ شب پاسخگوی بیش از ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از مراجعین می‌باشد. ناگفته نماند که در حال حاضر کتابخانه به سیستم کامپیوتر مجهز گردیده و مراجعان از سرویس‌دهی آن بهره‌مند می‌گیرند.

شیوه بهره‌برداری از کتب خطی

سؤال: نحوه دسترسی و استفاده مراجعین از کتابهای نفیس خطی چگونه است؟
جواب: در مورد کتابهای خطی، تمامی آقایان اذعان دارند که این کتابخانه از سهل‌الوصول‌ترین کتابخانه‌ها نسبت به کتابخانه‌های دیگر ایران است. ما در اینجا یک محل ویژه‌ای را به این مسأله اختصاص داده‌ایم و محققینی که مراجعه می‌کنند، کتابها در اختیارشان گذاشته می‌شود و در حضور یکی از کارکنان کتابخانه به هر مقدار که بخواهند از آن استفاده می‌کنند. و چنانچه نیاز داشته باشند که کل یا قسمتی از کتاب را بیرون ببرند، ما برایشان از کتاب عکس تهیه می‌کنیم و فقط و فقط هزینه‌های عکسبرداری را از آنها می‌گیریم.

حتی در مواردی بوده که کتابی منحصر به فرد را به همین صورت از کتابخانه گرفته و آن را چاپ کرده‌اند و حتی یک نسخه هم به خود کتابخانه نداده‌اند و ما هم پی‌گیری نکرده‌ایم، چون مرحوم والد می‌فرمودند:

مؤلفین این کتابها را برای استفاده عموم نوشته‌اند و هر یک حاصل عمر یک عالم است، برای اینکه همگان استفاده کنند، و اگر ما آن را حبس کنیم، این خلاف نظر مؤلف یا واقف است.

سؤال: با توجه به اینکه مرقد مطهر آن معظّم‌له در سالن ورودی کتابخانه آن

حضرت قرار گرفته، بفرمایید علت انتخاب این محل چه بوده است؟

جواب: یک روز بنده انگیزه سفارش دفن در کتابخانه را از ایشان سؤال کردم، ایشان فرمودند:

حقیر با آنکه محل مناسبی در حرم مطهر بی بی فاطمه معصومه سلام الله علیها برایم از سالیان قبل در نظر گرفته شده، لکن میل دارم در کنار کتابخانه عمومی، زیر پای افرادی دفن شوم که به دنبال مطالعه علوم آل محمد(ص) به این کتابخانه می‌آیند.